

تاریخ ادبیات ارمنی

بخش هفتم

ترجمه و تالیف ادیک باغداساریان
(ا.گرمانیک)

دوران جدید ادبیات ارمنی در نیمه اول سده نوزدهم

در نیمه اول سده نوزدهم، در تاریخ ترقی ادبیات ارمنی، دوران نوینی آغاز گردید. فرهنگ و ادب ارمنی در مسیر ترقی خود از سده های میانه سرچشمه گرفت و ادبیات جدید ارمنی بنیان نهاده شد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی

در اوایل سده ۱۹، ارمنستان هنوز تحت تسلط استبدادی حکومت‌های ایران و ترکیه قرار داشت. مردم در شرایط استثمار و استعماری ظالمانه فئودالی و حکومت‌های مرتجع و بی نظم اقتصادی، مضمحل شده به نابودی فیزیکی تن در می دادند و خانها در سرزمین تحت تسلط ایران و پاشاها در بخش اشتغالی توسط ترکها، همچنین بیگها، ملیکها، ارباب ها و سایر مقامات تابع این فئودالهای بزرگ، از هیچگونه قانونی پیروی نکرده با خود کاملگی بی حد و حصر، بویژه روستاییان زحمتکش را تحت شدیدترین محرومیت های سیاسی و مادی قرار می دادند. در مورد اوضاع فوق العاده سخت اقتصادی و سیاسی قوم ارمن زیر یوغ خارجی، نویسندگان معاصر ارمنی اطلاعات بسیاری برای ما باقی گذارده اند. برای نمونه **مسروپ تاغیادیان** در کتابش تحت عنوان «مسافرت ارمنیان» تشریح کرده است که **سردار حسین خان** حاکم خان نشین **ایروان** با روستاییان ارمنی سرزمین تحت سلطه خود چگونه رفتار می کرد. تاغیادیان می نویسد: «آنگاه که وقت درو فرا می رسید، سردار، افرادی را فرستاد و نصف محصول را برای خود و سپس مالیات دربار را از بقیه برمی داشت و بدین ترتیب چیزی برای تامین زندگی روستایی باقی نمی ماند، اما اگر بعلت بلاای طبیعی محصول بدست نمی آمد، خان این امر را «غفلت مردم تلقی نموده روزگار آنها را سیاه می کرد و آنچه در خانه شان پیدا می کرد غصب می نمود و هر گاه

این را هم نمی یافت، خانه و کاشانه و فرزندان آنها را تصاحب می کرد... بسیاری موارد پیش می آمد که هر گاه از اینها هم چیزی عایدش نمی شد، طلایش را بزور کویال و خون آشامیدنش را با زجر و شکنجه بی نوایان بدست می آورد. سراسر کشور را غارت می کرد و با عرق جبین آنها دستگرد هایی را در قزوین می ساخت و تن خود را می پروراند».

خاچاتور آبویان تمام ظلم هایی را که سلطه شاهان و خان های ایران باعث می شدند در رمان مشهور «**جراحات ارمنستان**» با واقعیت کامل ذکر کرده است.

ارمنیان تحت سلطه ترکیه نیز در شرایط بسیار سخت بسر می بردند. بطور کلی در این دو حکومت استبدادی و رزمی-فقودالی بسیار عقب مانده، که هیچگونه امنیت جانی و مالی در آنها وجود نداشت، اقتصاد از هم پاشیده و دائماً "افت می کرد قابل ذکر است که مردم نمی توانستند با چنین شرایطی سازگاری داشته باشند. مبارزه نابرابر برای رهایی از یوغ ترکیه و ایران ادامه یافته در آستانه سده ۱۹ شدت بیشتری می گیرد.

فعالان ارمنی، چنان که مشهود است، از مدتها پیش برای آزادی از یوغ ترکیه و ایران امیدهای خود را به روسیه در حال اقتدار بسته بودند. الحاق گرجستان و آذربایجان به روسیه باعث امیدواری ارمنیان می شد، بویژه در زمان جنگهای روس و ایران در سال ۱۸۰۴، روسیه و ترکیه در ۱۸۰۶ و روسیه و ایران در ۱۸۰۸، ارتش روسیه وارد اعماق ارمنستان شده و دومرتبه دژ ایروان را محاصره کرده بود.

در سال ۱۸۲۶ بار دیگر جنگ میان ایران و روسیه آغاز شد. ارتش روسیه در سال ۱۸۲۷ بفرماندهی ژنرال پاسکویچ وارد ارمنستان شرقی شد و پس از چندین نبرد موفقیت آمیز، دژ ایروان را محاصره نمود. در اول ماه اکتبر، ارتش روس به عملیات قطعی دست زده با حمله شدید خود ایروان را تصرف کرد و پادگان ایران تسلیم شد. آنگاه ارتش روس با ادامه حمله خود پس از چندی وارد سرزمین اصلی ایران می شود. شاه ایران تقاضای عقد پیمان صلح می کند. بر اساس پیمان صلح ترکمنچای بخش عظیمی از ارمنستان شرقی به روسیه ملحق می شود. ارمنیان برای تغییر اوضاع سخت زندگی خود از بخش تحت سلطه ایران، بطور جمعی به نواحی ایروان و نخجوان کوچ کردند.

واقعه تاریخی تصرف ایروان و الحاق ارمنستان شرقی به روسیه اهمیت سرنوشت سازی برای حیات قوم ارمن دارد. بخش عظیمی از ارمنیان از خطر نابودی فیزیکی و بطور کلی از اجحافات و تظلمات سخت و دائمی یوغ خان های ایران نجات یافت. آینده خلق ارمنی

با سرنوشت ملت روس عجین گردید. باید توجه کرد که روسیه از نظر اقتصادی و فرهنگی پیشرفته تر از ترکیه و ایران بود. زندگی اقتصادی و روابط اجتماعی ارمنیان بزودی راه ترقی در پیش گرفت. فرهنگ و ادب ارمنی با همگامی خود با فرهنگ و ادب روس دوران پیشرفت و ترقی بی سابقه ای را گذراند.

جنبش روشنگری

ادبیات نوین ارمنی مدیون جنبش روشنگری است که در سابه اوضاع جدید سیاسی و اجتماعی پدید آمده بود.

پس از الحاق ارمنستان شرقی به روسیه، روابط فتودالی در آن زمان ملغی نشد. تزاریسیم حق مالکیت اراضی را قانونی اعلام کرد و بخش بزرگی از روستائیان بصورت رعیت درآمدند. زندگی چه در شهرها و چه در روستاها بطور کلی ترقی می نمود و روستائیان امکان پرداختن به کار در محیطی آرام یافتند، با این حال سنگینی بار استثمار و ستم فتودالی هنوز عرض اندام می کرد. در بسیاری مناطق کشور شورش ها و برخوردهای دهقانی پیش می آمد که بطور مستقیم بر علیه زمینداران و چینیونیکهای تزاری، چینیونیکهایی که اکثراً از همان قشر زمیندار بودند، بروز می کرد.

اوضاع روستائیان ارمنی غرب نیز بطور کلی سخت بود. پس از جنگهای ۲۹-۱۸۲۸ روس و ترکیه استبداد سلطانی ظلم و فشار را شدید تر نمود. امیرها و نزولخواران ارمنی نیز روستائیان را بی مدارا، تحت استثمار قرار می دادند زیرا آنان از نظر ماهیت استثماری خود وابسته به حکومت فتودالی بودند لذا سیاست ظالمانه ای در قبال زحمتکشان ارمنی بکار می بستند. پدیده غربت گرایی در این شرایط غیر قابل تحمل شدت می یافت و از سوی دیگر، بورژوازی تجاری ارمنی نقش محسوسی را در زندگی بازرگانی پایتخت و نواحی ساحلی ترکیه ایفا می نمود.

بر علیه روابط فتودالی و حقوق رعیت دارای و برضد جریان ارتجاعی مذهبی- فتودالی، جریان عقیدتی مترقیانه و روشنگرانه ای در ادبیات و فرهنگ ارمنی بوجود آمد که در طول دهه های ۵۰ و ۶۰ با شتاب بیشتری وسعت یافت.

جنبش روشنگری ارمنی، که **خاچاتور آبویان** مبین عقاید آن در دهه ۴۰ می باشد، با جوانب اصلی خود می توان آن را همچون جنبش روشنگری روسیه تشریح نمود. جنبش روشنگری ارمنی با همتای روسی خود مرتبط بوده اثرات مثبت آنرا نیز در خود داشت.

یکی از خصوصیات این دوران، ترقی برخی از رشته های علوم بویژه فیلولوژی و تاریخنویسی و نیز ظهور چندین ارگان و جریده بچشم می خورد. لیکن مراکز فرهنگی ارمنی اکثراً در خارج از ارمنستان و در شهرهای بزرگ واقع بودند. مسکو، تفلیس، نخجوان نو، ونیز، قسطنطنیه، ازمیر، کلکته و سایر جاها چنین مراکزی بودند. در سال ۱۸۱۵ مدرسه عالی لازاریان در مسکو، در ۱۸۲۴ مدرسه نرسیسیان در تفلیس تاسیس شدند که نقش مهمی در کار تربیت متفکران ارمنی بازی کردند. «قفقاز» «آارات» (تفلیس)، «شتماران» «آزدارار»، «آزگاسر آاراتیان» (کلکته)، «وقایع سالیانه»، «بازماوپ» (ونیز)، «آرشالویس آاراتیان»، «وطن دوست» (ازمیر)، «خبرنامه» (قسطنطنیه) و غیره جراید مشهور در نیمه اول سده ۱۹ هستند. زبان جراید مذکور و بطور کلی تمام جراید این دوران گرابار یا زبان ارمنی کلاسیک بود.

تماس با بینش های مترقیانه هنرها و فنون روسی و اروپای غربی در تفلیس و قسطنطنیه به رونق چشمگیر هنر تئاتر ارمنی نیز کمک شایان توجهی نمود. یک رشته آثار اصیل دراماتیک نوشته و روی صحنه می رفت.

توجه بسیار نسبت به ادبیات و فرهنگ روس از بارزترین خطوط غنای زندگی فرهنگی این دوران محسوب می شود. از این حیث، ترجمه آثار نویسندگان نامی روسی ارزش بسیاری را بخود اختصاص می دهد. در دهه های ۳۰ و ۴۰ تمثیلهای خمیسر و کریلوف، چکامه های کارامزین و ژوکوسکی، گلچین های متعددی از ادبیات شگفت آور پوشکین و لرمونتیف ترجمه شد. خاچاتور آبویان در کار استفاده از گنجهای ادبی روس برای خلق ارمنی، فعالیت بسیاری نمود. از طرف دیگر در محافل روسیه توجه زیادی نسبت به خلق ارمنی و تاریخش مبذول می گردد.

دنيس داویدف، پوشکین، گریبایدوف و سایرین که در رابطه با جنگ مدتی را در ارمنستان گذرانده بودند، اشعار و سفرنامه هایی را در مورد ارمنستان نوشتند. کمدی «بلای عقل» از گریبایدوف نمایش نامه نویس روس، به کوشش افسران روسی اولین بار بسال ۱۸۲۷ در ایروان به صحنه رفت. نویسنده کمدی نیز در هنگام اجرا حاضر بود.

پیوندهای فرهنگی میان ارمنیان، گرجیان و مسلمانان نیز توسعه یافته عمیقتر شد.

کلاسیسیم ارمنی

کلاسیسیم در اوایل سده ۱۹ بر محافل ادبی ارمنی حاکم بود و حضور نشانه های آن پس از ظهور آبویان نیز ادامه یافت. اگر چه در سالهای دهه ۵۰ به نویسندگانی بر می خوریم که اشعار و نمایشنامه هایی را به سبک کلاسیک می نوشتند، لیکن اینها هیچگونه اثری در پروسه ترقی ادبیات ما نداشتند. لیکن با وجود این کلاسیسیم، صرف نظر از تقلید و محافظه کاری نمایندگان، در اوایل سده ۱۹ با حدودی نقش مثبتی در زمینه ترقی فرهنگ ادبی ایفا نمود.

پیروان کلاسیسیم اکثرا اعضای **جامعه مختاریان** بودند. آنها غالبا مبلغین رسوم قدیمی و مذهب کاتولیک بودند و اصول مسلم و دگرگونی ناپذیر ابداعی کلاسیسیم و تمام محدودیت ها را در آثار خود بکار بردند. تنها مطلب جدیدی که آنها به همراه آوردند این بود که بجای استفاده از افسانه های دنیای قدیم، شعرای مختاریان افسانه ها و قطعه های حماسی ارمنی موجود در «تاریخ ارمنیان» اثر **موسس خورناتسی** (مانند هایک و بعل، آرا و شامیرام و غیره) را مورد استفاده قرار دادند.

آرسن باگراتونی (۱۸۶۶-۱۷۹۰) با نوشتن منظومه بزرگ «هایک پهلوان» به سبک «ایلیاد» هومر و چند اثر دیگر، از مشهورترین شعرای مختاریان بود. چه باگراتونی و چه سایر نویسندگان مختاریان، ونیز مرثیه نویسان تاریخی (مثلا پتروس میناسیان)، که با تم افسانه های قدیمی ارمنی و سوابق تاریخی می نوشتند، بطور کلی به وصف حکومت سابق فتودالی ارمنی پرداخته آرزوی تجدید حیات گذشته را داشتند.

شعرای مختاریان پیرو کلاسیسیم با ترجمه آثار مورخین، فلاسفه و نویسندگان بزرگ دنیای قدیم («ایلیاد» و «اودیسه» هومر، مرثیه ها و غیره) کارهای چشمگیرتری انجام دادند که اگر چه به زبان گرابار بودند با این حال در بالا بردن سطح معلومات نویسندگان آتی نقش مثبتی ایفا نمودند.

هاروتیون آلامداریان (۱۸۳۴-۱۷۹۶)

هاروتیون آلامداریان شاعر یکی از زمینه سازان مشهور جنبش ادبی نیمه اول سده ۱۹ است. آلامداریان بسال ۱۷۹۶ در آستراخان زاده شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه جدید التاسیس ارمنی محل فرا گرفت.

آلامداریان بسال ۱۸۱۴ در مسکو به مقام کشیش تقدیس شد. نرسس آشتاراکتسی او را برای تدریس در مدرسه نرسیسیان به تفلیس دعوت کرد. آلامداریان در این مدرسه برخی اصول مترقی تعلیم و تربیتی را بکار بست و چند موضوع جدید از جمله حساب، جغرافیا، ارمنی، روسی، فرانسه را وارد برنامه درسی نمود. او توجه خاصی نیز به این مسئله معطوف کرد که شاگردان آثار نویسندگان ارمنی و روس را نیز مطالعه کنند. در طول سالهای مدیریت آلامداریان، مدرسه نرسیسیان شاگردانی چون خاچاتور آبویان و استپانوس نازاریانتس در آنجا تحصیل می کردند. بعدها بنا به اصرار روحانیون بلند پایه او از مقام مدیریت عزل شده تحت تعقیب و محرومیت شدید مالی قرار گرفت. در سال ۱۸۳۳ او بعنوان راهب وانک **صلیب مقدس** نخبوان نو تعیین گردید و در سالهای بعد در همین جا گشته شد.

آلامداریان اشعاری غنایی بزبان گرابار نوشته است که مجموعه آنها در سال ۱۸۸۴ تحت عنوان «چاپابراکانک» در پترزبورگ بچاپ رسید. او مرثیه ای تاریخی نیز نوشته («هرادامیست و زنویبا») که به دست ما نرسیده است. برخی از اشعار آلامداریان موتیف های مذهبی دارند اما بقیه آنها که از نظر تاریخ ادبیات نوآوری محسوب می شوند بزبان آشخارابار هستند.

آلامداریان در آثاری با موتیف های دنیوی، بطور عمدۀ زیبایی عشق و طبیعت را سوژه قرار می دهد. بویژه اشعار «دو شمع در دو دست»، «بهار»، «خیانت تخیل» انعکاسی وسیع در آن زمان پیدا کرد. آثار دیگری از او نیز قابل توجه است که از نظر تاریخ ادبیات ارزشمند بوده آکنده با احساس گرم و عمیق است و اولین تجربه ها برای خروج از دوران کلاسیسم محسوب می شوند.

مسروپ تاغیادیان نمونه های برجسته تری برای تسلط بر خصوصیات محتوایی آثار کلاسیسم باقی گذارده است.

مسروپ تاغیادیان (۱۸۵۸-۱۸۰۳)

مسروپ تاغیادیان بسال ۱۸۰۳ در روستای کاری در حوالی ایروان زاده شد. از سنین کودکی برای تحصیل به اچمیادزین فرستاده می شود. برخی سیاحتها و مسافرتها که او در سنین نوجوانی به مناطق ارمنستان غربی انجام می دهد بر وسعت اندیشه و شناخت

زندگی نویسنده آتی اهمیت زیادی داشت. او بعزت کنجکاو و ادب دوستی شدید و اخلاق و رفتار پر تحرک خود، تصمیم می گیرد به اروپا برود، ولی بعدها با تغییر تصمیمش، از طریق عازم ایران به هندوستان می گردد. او در سال ۱۸۲۴ به معلمی مدرسه ارمنی کلکته گمارده می شود و در عین حال به تحصیل در کالج مذهبی انگلیس نیز می پردازد. او در آنجا انگلیسی، لاتین، یونانی و سایر زبانها را فرا می گیرد. بطور کلی تاغیادیان از افرادی بود که از علوم همه جانبه برخوردار بودند.

تاغیادیان در سال ۱۸۳۰ با مقام معلمی به شهر جلفای نو در ایران منتقل می گردد. با اطلاع از الحاق ارمنستان شرقی به روسیه او پس از یکسال به اجمیادزین برمی گردد. آنگاه زندگی پر حادثه و ماجراجویانه او شروع می شود: اجمیادزین، ایروان، دوباره اجمیادزین، دو باره جلفای نو، بار دیگر اجمیادزین سپس قسطنطنیه، ترابوزان، ارض روم و سایر مناطق ارمنستان غربی. او در سال ۱۸۳۸ دگربار در کلکته جریده «آزگاسر» (ملت دوست) را منتشر می سازد. تاغیادیان در سال ۱۸۵۸ هنگام مراجعت از هندوستان به جلفای نو در شهر شیراز ایران بدرود حیات می گوید.

فعالیت ادبی تاغیادیان ماهیت چند جانبه دارد. او آثار منظوم و منثور هنری، سفرنامه، تحقیقات تاریخی، آثار تعلیمی و تربیتی، انتشار نشریات (که صفحات آنها را اکثراً با مقاله خود پر می کرد) و آثار دیگر نوشته است. عشق، میهن دوستی، احساس دوری از وطن، استعمار و احکاف فئودالی، انتقاد از تاریخ اندیشی کلیسایی، از ویژگی های قابل ذکر آثار تاغیادیان محسوب می شوند. آثار منظوم تاغیادیان در مجموعه های «تاغیادیان طوطی» و «سوگنامه تاغیلدیان» گنجانده شده است. شعر محبوب و گسترش یافته ای که با مصرع «خدایا به ما ارمنیان زندگی ارزانی دار» شروع می شود به او انتساب دارد. نالبدنیان از آن بسیار قدردانی کرده است (او می نویسد: «اینست آواز اصیل ملی»)، همچنین شعر «من دختر روستایی زنبیل باقم» نیز بسیار مقبول عام است.

از نمونه های پر ارزشی تمام آثار تاغیادیان منظمه «سوس و سوندیپی» است که نویسنده آن را به خواهران میهن دوست ارمنی هدیه کرده است. سوژه منظومه شامل داستان حزن انگیز عشق **سوسی وانیان** شاهزاده ارمنی و **سوندیپی** شاهدخت هندی است. نویسنده سعی نموده است تا به سبک کلاسیسیم بنویسد و برخی از ویژگی های ظاهری منظومه های هومر را در آن بکار ببرد. برای نمونه در منظومه تاغیادیان نیز خدایان دوران

بت پرستی (آستغیک و دخترش هریک) در حوادث زندگی قهرمانان شرکت می کنند. خود نویسنده در مورد هومر با حیرت سخن می گوید.

لیکن منظومه تاغیادیان منظومه غنایی - حماسی است و نه حماسی کامل و سپس آنچه که مهم است اینست که او نقش اساسی را به دنیای احساسات (عاشقانه) قهرمانان می دهد. شاعر هر چند که سعی می کند تا رنگ و بوی اساطیری اعصار قدیم را حفظ کند ولی چه از نظر محتوای عقیدتی منظومه و چه از نظر تشریح روحيات قهرمانان از کلاسیسیسم دوری جسته مطلبی جدید در ادبیات ارمنی مطرح می سازد. از ارزشهای منظومه بویژه باید تشریح احساس برانگیز طبیعت ارمنستان را ذکر کنیم که ایده های میهن دوستانه شاعر را ظاهر می سازد.

تاغیادیان دو رمان نیز تحت عنوان «رمان وارنگس» و «رمان وارسنیک» نوشته است که محتوایی دنیوی دارند. سفرنامه «سیاحت ارمنی» نیز دومین میراث ادبی او دارای ارزش فراوانی است که مجموعه اسناد بسیار جالبی در مورد دوران سلطه اسفناک حکومت ایران بر ارمنستان شرقی محسوب می شود.

نالباندیان بحق مسروپ تاغیادیان را چهره ادبی - اجتماعی «شایسته یاد و ذکر جاودانی» می داند.

در اوایل سده ۱۹، شاعران و پژوهشگران مخیتاریان با عمق بیشتری حفظ گرابار را بعنوان زبان ادبی قوام بخشیده بودند. آلامداریان و سپس تاغیادیان این مسئله مهم تاریخی یعنی کاربرد آشخاربار یا زبان گفتاری بجای گرابار یا زبان نوشتاری را که از مدتها پیش منسوخ شده بود نتوانستند حل کنند. این **خاچاتور آبویان** روشنگر و دمکرات کبیر ارمنی و بنیانگذار ادیبان نوین ارمنی بود که نخستین بار ضربات خرد کننده ای به مخیتاریان و دیگر مخالفان روشنگری ادبی و فرهنگی و بطور کلی توده های عام وارد ساخت.